حين جاءت اليه صلى الله عليه وسلم بعد البعث مرحبا بابنة نبي اضاعه قومه

دختنیکه آمد بسوی او صلی الله علیه وسلم بعد از بعث مرحبا است بدختر نبیکه ضایع کرد اورا قوم او

انتهى الحديث ويقول الشيخ رضي الله عنه وما اضاعه الا بنوه حين لم يتركوا

آخر شد حدیث مذکور ومیفرماید شیخ رضی الله عنه وضایع نکرد وصیت خالد را مگر پسران او آنگاه که نگذاشتند

الناس المومنين ينبشونه لما يطرأ على العرب من العار المعتادة فيما بينهم لجمعيتهم

پسران او مردم مسلم که مومن بودند تا بکنند قبر او را برای چیزیکه عارض وغالب میشود بر عرب از عاریکه معتاد است در میان ایشان برای جمعیت

الجاهلية وقصته انه كان مع قومه يسكنون بلاد عدن فخرجت نار عظيم

جاهلیت خود وقصهٔ او آنکه بدرستیکه خالد بود با قوم خود ساکن بلاد عدن پس خارج شد آتش عظیم

من مغارة فاهلكت الزرع والضرع فالتجاء اليه قومه فاخذ خالد يضرب

از مغاره پس هلاک کرد زراعت وجانوران شیرده را پس التجا آوردند بسوی او قوم او پس شروع کرد خالد درانحالیکه زننده بود

بعصاه حتى رجعت هاربة منه الى المغارة التي خرجت منها ثم قال لا

بعصای خود تا آنکه رجوع کرد آتش درانحالیکه گریزنده بود از آن بسوی مغاره که برآمده بود از آن مغاره پس فرمود خالد

ولاده انى ادخل المغارة خلف النار حتى اطفاءها وامرهم ان يدعوني بعد

اولاد خود را که بدرستیکه من داخل می‌شوم آن مغاره را پس آتش تا اطفا کنم آنرا وامر فرمود اولاد را آنکه بخوانند خود را بعد

ثلثة ايام منه فانهم ان نادوه قبل ثلثة ايام فهو يخرج ويموت وان

سه روز کامل پس بدرستیکه آن اولاد اگر ندا کنند او را پیش از سه روز پس او بیرون خواهد آمد وخواهد مرد واگر

صبروا ثلثة ايام يخرج سالما فلما دخل صبروا يومين فاستغزهم الشيطان

صبر کنند سه روز خارج خواهد آمد سالما پس هرگاه که داخل شد صبر کردند دو روز پس بلغزانید ایشان را شیطان

فلم يصبروا تمام ثلثة ايام فظنوا انه هلك فصاحوا به فخرج عليه السلام

پس صبر نکردند تمام شدن سه روز پس گمان کردند بدرستیکه خالد هلاک شد پس صیحه کردند پس خارج شد خالد علیه السلام

من المغارة وعلى راسه الم حصل من صياحهم فقد ضيعتموني واضعتم

از مغاره درانحالیکه بر سر او المی حاصل شده از صیاح ایشان پس فرمود ضایع کردید شما مرا وضایع کردید

قولي ووصيتي واخبرهم بموته وامرهم ان يقبروه ويرقبوه اربعين يوما

قول مرا ووصیت مرا وخبر کرد ایشان را بموت خود وامر کرد ایشان را آنکه در قبر کنند او را ومترقب باشند چهل روز

فانه ياتيهم قطيع من الغنم يقدمها حمار ابتر مقطوع الذنب فاذا حاذي

پس بدرستیکه خواهد آمد ایشان را رمهٔ از گوسفند که پیش آن رمه خواهد بود خر دم بریده پس هرگاهیکه محاذی بود

قبره ووقف فلينبشوا عليه قبره فانه يقوم ويخبرهم باحوال البرزخ والقبر

آن خر قبر او را وبایستد پس کو که بکنند بر آن خر قبر خود را پس بدرستیکه او حالا قایم خواهد شد وخبر خواهد کرد ایشان را باحوال برزخ وقبر

عن تعين ورؤية فانتظروا اربعين يوما فجاء القطيع وتقدمه حمار

از روی تعین ورویت پس انتظاری کردند ایشان چهل روز پس آمد آن رمه درانحالیکه پیشی کرده بود آنرا حمار

ابتر فوقف حذاء قبره فهم مومنون قومه ان ينبشوا عليه فابى اولاده خوفا

دم بریده پس ایستاد وآن حمار برابر قبر او پس همت مسلمانان قوم خالد آنکه بکنند قبر او را پس ابا کردند اولاد خالد از ترس

من العار لئلا يقال لهم اولاد المنبوش فحملتهم الجاهلية على ذلك فضيعوا

از عار تا گفته نشود ایشان را اولاد منبوش پس حمل کرد ایشان را جاهلیت بر آن پس ضایع کردند

وصية واضاعوه انما خصت الكلمة المحمدية بالحكمة

وصیت او را واز بهره بر انداختند او را جز این نیست که مخصوص شده است کلمه محمدیه بحکمة

الفردية لانه صلى الله عليه وسلم اول التعينات الذي تعين به الذات

فردیه زیراکه بدرستیکه او صلی الله علیه وسلم اول تعینات است که متعین با ذات

الاحدية قبل كل تعين يظهر به من التعينات الغير المتناهية وهذه

احدیت پیش هر تعینیکه ظاهر می‌شود ذات بآن از تعینات غیر متناهیه واین

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com) 1